

کالبد شکافی یک کتاب

نقد و بررسی کتاب مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی

دکتر نعمت‌الله فاضلی

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی: پژوهشی مردم‌شناختی در اصطلاحات خودمانی جوانان
مؤلف: دکتر محمود اکرامی
ناشر: ایوار
محل نشر: مشهد
نوبت چاپ: سوم
شمارگان: ۳۰۰۰
سال انتشار: ۱۳۸۵
تعداد صفحات: ۳۱۱

مقدمه

هدف این مطلب معرفی و ارزیابی کتاب مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی است.

این ارزیابی مبتنی بر معیارهای پژوهشی و دیدگاه های انسان شناختی است. به این معنا که تلاش می‌کنم تا میزان اعتبار و درستی مطالعه انجام شده در زمینه شناخت زبان شفاهی و عامیانه جوانان مشهد را که در این کتاب منتشر شده است از منظر استانداردهای پژوهشی و همچنین رویکرد انسان شناختی توضیح دهم. انتخاب این معیارها به این دلیل است که مؤلف خود بر اساس معیارهای مذکور این کتاب را تألیف نموده‌اند. اگرچه ممکن است بتوان از زاویه های متفاوت دیگر مانند دیدگاه ادبی، جامعه شناختی، زبان شناختی و حتی فلسفی نیز به این کتاب نگاه کرد. در این صورت ما باید به بازتفسیر کتاب پردازیم و این بازتفسیر اگرچه ممکن است نتایج خوبی ببار آورد اما مسلماً قادر نیست منطق درونی این کتاب را توضیح دهد.

همچنین قبل از شروع بحث باید به این نکته اشاره کرد که نقد و خوانش متون مربوط به فرهنگ و زبان عامیانه دارای اهمیت است زیرا موضوع زبان و اصطلاحات عامیانه و محاوره جوانان موضوع مهمی است و همانطور که خواهیم دید به یک موضوع جدی در مطالعات فرهنگی و انسان شناسی فرهنگ معاصر ایران تبدیل شده است و کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در سال های اخیر در این زمینه انتشار یافته است. دوم، این موضوع دارای ریشه های تاریخی طولانی است و از آغاز قرن حاضر تاکنون کتاب های مهم بسیاری در این زمینه انتشار یافته است. بنابراین، غور و تفحص در این زمینه به گونه‌ای مرور بر یک سنت یا گفتمان مهم در انسان شناسی و مطالعات فرهنگی ایران معاصر می‌باشد. سوم، هم تحول زبان عامیانه و هم موضوع جوانان از موضوعات کلیدی در جامعه معاصر ما هستند. زبان فارسی از ستون‌های هویت فرهنگی ایرانیان است. این زبان تحت تاثیر عوامل متعدد مانند صنعتی شدن، توسعه شهرنشینی، گسترش رسانه‌ها، تحولات اقتصادی و اجتماعی، جهانی شدن و گسترش ارتباطات و مبادلات ایران و جهان، گسترش آموزش و آموزش عالی، توسعه زبان‌های دیگر و آمیختن آن با زبان فارسی، دستخوش تغییرات گوناگون شده است. با توجه به این نکته، زبان، بستر و حامل و ناقل مجموعه ارزش‌ها و باورها و معانی بنیادین هر ملتی است، طبعاً تحول زبان پیامدهای گسترده‌ای در زمینه هویت فرهنگی و جهان‌بینی ملت‌ها دارد. با در نظر گرفتن این موضوع می‌توان دریافت که خوانش کتاب‌هایی مانند

مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی موقعیتی برای ارزیابی وضعیت تحولات زبان فارسی و تحولات فرهنگی جامعه ایران است بطور کلی بعد دیگر اهمیت موضوع به مقوله جوانان مرتبط است. این کتاب بر اساس مطالعه میدانی در بین عده‌ای از جوانان مشهد انجام شده است. می‌توان گفت بررسی زبان عامیانه جوانان راهی مناسب برای پی بردن به زیست‌جهان فرهنگی جوانان است. از این راه می‌توان لایه‌های پنهان و عمیق فرهنگ جوانان ایرانی و شیوه فهم و ادراک آنها از محیط، خودشان و دیگران را دریافت. اگر این واقعیت آشکار را در نظر داشته باشیم که ایران از نظر جمعیتی دارای ساختار جمعیتی جوان است و اینکه مسئله جوانی از مسائل عمده فرهنگ و جامعه معاصر ماست، در این صورت می‌توان به اهمیت مطالعاتی از نوع مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی و جایگاه آن در مطالعات فرهنگ ایران معاصر پی‌برد.

من مایلم علاوه بر نکات فوق نکته دیگری نیز در زمینه اهمیت موضوع مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی را توضیح دهم: این کتاب از جمله کوشش‌های مهمی است که برای شکل‌گیری گفتمان تازه‌ای در مطالعات مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی ایران انجام می‌گیرد. فارغ از ارزشیابی کیفی محتوای کتاب مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی، باید گفت نفس مطرح ساختن موضوع زبان عامیانه امروزی جوانان به مثابه یک موضوع و دستورکار در مردم‌شناسی ایران اقدام مهمی است زیرا گفتمان کلاسیک و تثبیت شده رشته انسان‌شناسی در جامعه ما عمدتاً معطوف به شناخت جامعه عشایری و روستایی و مطالعه فرهنگ مردم سنتی و میراث فرهنگی تاریخی ایران است. در سال‌های اخیر در برخی زمینه‌های فرهنگ معاصر ایران مطالعاتی از منظر انسان‌شناسی انجام شده است^۱ اما در زمینه فولکلور معاصر و امروزی ایران منابع پژوهشی اندکی در اختیار داریم.

به منظور معرفی و ارزیابی کتاب، این مقاله را در چهار بخش متمایز سازمان داده‌ام.

۱. برای مثال مطالعات مردم‌نگاری نگارنده در زمینه فرهنگ معاصر ایران که در پایگاه اطلاع‌رسانی اینجانب در دسترس می‌باشد و همچنین مطالعات انسان‌شناختی دکتر ناصر فکوهی که در پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان منتشر شده است، نمونه‌هایی از این کوشش‌هاست.

بعد از این مقدمه که اختصاص به توضیح اهمیت موضوع داشت به معرفی محتوای کتاب می‌پردازم. بخش بعد از آن به تبیین و توضیح جایگاه کتاب مورد بررسی در سنت‌ها و گفتمان‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی ایران می‌پردازد. برای این منظور دو گفتمان مطالعات ادبی و مطالعات علوم اجتماعی و مردم‌شناسی زبان عامیانه فارسی را از هم تفکیک و به تبارشناسی تاریخی آنها پرداخته‌ام. بخش دیگر مقاله به ارزیابی و نقد کتاب می‌پردازد. در این ارزیابی در ابتدا نقاط قوت و سپس کاستی‌های آن را توضیح می‌دهم.

محتوای کتاب

کتاب مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی نوشته دکتر محمود اکرامی، در سال ۱۳۸۴ توسط نشر ایوار در مشهد منتشر شد و با توجه به استقبال نسبی خوانندگان از این کتاب در سال ۱۳۸۵ چاپ سوم آن با شمارگان ۳۰۰۰ منتشر گردید. این کتاب در قطع وزیری و ۳۱۱ صفحه می‌باشد. کتاب از لحاظ ساختار از پنج فصل به علاوه فهرست منابع تشکیل شده است. روش تألیف کتاب به صورت گزارش‌های پژوهشی سازمان‌یافته و نظام‌مند در حوزه‌ی علوم اجتماعی می‌باشد. فصل اول کتاب با عنوان کلیات پژوهش با روشی کاملاً سیستماتیک به توضیح بیان مسأله تحقیق، اهداف پژوهش، اهمیت و ضرورت، سؤالات اساسی، واژگان اساسی، روش پژوهش و جامعه و نمونه مورد مطالعه می‌پردازد. فصل دوم که به پیشینه و ادبیات پژوهش اختصاص دارد پیشینه‌ی نظری و عملی پژوهش را تشریح می‌نماید و در شرح عملی ابتدا برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه را مختصراً توضیح می‌دهد سپس در پیشینه‌ی نظری به بررسی رویکردهای نظری مختلف در زمینه‌ی فرهنگ، عناصر اصلی فرهنگ، خرده فرهنگ‌ها، اثرات متقابل فرهنگ و زبان و نهایتاً زبان مخفی می‌پردازد. سومین فصل کتاب به توضیح روش پژوهش اختصاص دارد در این فصل روش میدانی روش کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین جامعه و نمونه‌ی مورد مطالعه و نحوه‌ی مقوله بندی را توضیح می‌دهد. در فصل چهارم محقق به ارائه یافته‌های پژوهش خود می‌پردازد و در این زمینه با توجه به ۹ سؤال اصلی که به مثابه سؤالات تحقیق در ابتدا مطرح کرده بود

به ترتیب یافته‌های پژوهش را در چارچوب هر سؤال ارائه و تحلیل می‌نماید. در آخرین فصل کتاب با عنوان نتیجه‌گیری، مؤلف تلاش کرده است تا ارزیابی‌های خود و استنباط‌های ممکن از داده‌های تحقیق را با توجه به هدف‌هایی که برای پژوهش در نظر گرفته بود، ارائه نماید.

اگر از سه فصل نخست که به تشریح روش و مبانی نظری تحقیق اختصاص دارد بگذریم می‌توان گفت فصل چهارم که اختصاص به یافته‌های تحقیق دارد، مهمترین بخش این کتاب است. در این بخش مؤلف کتاب کلیه اصطلاحات و لغات عامیانه‌ی گردآوری شده را به ترتیب الفبا ارائه کرده است. این روشی است که تقریباً تمامی کسانی که در این زمینه تلاش کرده‌اند از آن پیروی نموده‌اند. اما مؤلف این کتاب برای اینکه بتواند حوزه‌ی معنایی واژگان و قلمرو موضوعی آنها را توضیح دهد در چارچوب پاسخ‌دهی به سؤالات تحقیق سعی کرده است، نوعی راهنمای موضوعی نیز ارائه کند. برای مثال در صفحه ۲۴۵ هنگام پاسخگویی به سؤال دوم تحقیق مبتنی بر اینکه اصطلاحات و واژگانی که بیشترین معادلات را دارند کدام‌ها هستند، کلیه‌ی واژگان گردآوری شده را در بیست و شش موضوع طبقه بندی می‌کند. برای مثال نشان می‌دهد که دو درصد واژگان برای پسر یا ۳/۸۹٪ برای موضوع زرنگی و ۹/۲۲٪ برای موضوع دختر بوده است. طبقه بندی اصطلاحات نشان می‌دهد که اکثریت واژگان در زبان عامیانه مربوط به تابوهای اجتماعی شامل تابوهای جنسی، سیاسی و تابوهای اجتماعی است. مؤلف برای توضیح دلایل ایجاد و استفاده از واژگان و اصطلاحات زبان عامیانه با استفاده از یک روش کمی نشان داده است که نه دلیل برای کاربرد این واژگان وجود دارد. این دلایل عبارتند از: پنهان کاری و حفظ اسرار، ابراز صمیمیت، تمایز بخشی، تفاخر، تعلق و وابستگی گروهی، تحکیم روابط درون‌گروهی، تحکیم دنیای خصوصی در مقابل دنیای عمومی، تابو بودن برخی واژگان، طنز و لذت بخشی به مخاطب و بلاخره رهایی از فشار هنجاری. محقق این دلایل را از راه تحلیل محتوای واژگان و مقوله‌بندی آنها در قالب دلایل نه‌گانه و شمارش فراوانی واژگان در هر مقوله انجام داده است. او برای مثال نشان داده است که ۳۱/۶۵٪ واژگان برای پنهانکاری و حفظ اسرار، ۱۵/۸۲٪ برای تمایز و ۱۵/۶۱٪ برای ابراز صمیمیت بوده است. محقق همین روش

تحلیل محتوا و مقوله بندی کمی را برای تجزیه تحلیل سایر سؤالات تحقیق به خدمت گرفته است.

جایگاه کتاب در سنت مطالعات مردم شناسی و فرهنگ ایران

یکی از موضوعات فرهنگی معاصر که محققان فرهنگی در حوزه های مختلف ادبیات، زبان شناسی، علوم اجتماعی و به خصوص انسان شناسی مورد توجه قرار داده اند. بررسی زبان غیر رسمی یا اصطلاحات عامیانه است. در این زمینه دو سنت متفاوت در ایران شکل گرفته است. یکی سنت ادبی که جنبه ی متقدم و تاریخی دارد و دیگری سنت علوم اجتماعی است. این دو سنت به ابعاد متفاوت زبان محاوره و عامیانه می پردازند و با توجه به تفاوتی که از نظر هدف ها و بنیان های روش شناختی آنها وجود دارد نتایج متفاوتی به بار می آورند. کتاب مردم شناسی اصطلاحات خودمانی که عنوان فرعی پژوهش مردم شناختی را در اصطلاحات خودمانی جوانان دارد متعلق به سنت علوم اجتماعی است. به منظور فهم این کتاب لازم است ما به هر دو سنت اشاره ای هر چند اجمالی بنماییم.

سنت ادبی

سر آغاز توجه به زبان غیر رسمی و اصطلاحات عامیانه و یا به تعبیری دیگر زبان شفاهی عامه ی مردم به تحولات عصر مشروطه و شروع تغییر و دگرگونی زبان فارسی باز می گردد. در سال های عصر مشروطه روزنامه نگاران، شاعران و انقلابیون به منظور جلب توجه عامه ی مردم و تحریک و ترغیب آنان به مشارکت در دگرگونی های سیاسی مشروطه ناگزیر شدند تا آن زبان نخبه گرا، درباری و پیچیده ی مرسوم در بین ادبا را کنار گذاشته و بیشتر به سبک و سیاق زبان محاوره که در بین مردم کوچه و بازار رایج بود، سخن بگویند و بنویسند. نوشته های شاعرانی مانند سید اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال)، ایرج میرزا، میرزاده عشقی و نویسندگانی مانند علی اکبر دهخدا و سید محمدعلی جمالزاده اقدام به ساده نویسی و توجه به اصطلاحات، کنایات، تشبیهات و

تمثیلات عامیانه در آثار خود نمودند. این جریان منتهی به آن شد که به تدریج لغات عامیانه اهمیت بسزایی در نزد ادبا و محققان ایرانی پیدا کرد. این موضوع تا پیش از آن هرگز مورد توجه نبود. این توجه به تدریج منجر به آن شد که محققان نه تنها در میان نوشته‌های خود از زبان عامیانه استفاده نمودند بلکه گردآوری این واژگان به مثابه یک موضوع مهم در تحقیقات ادبی و زبان‌شناسی فارسی درآمد و به تدریج نگارش فرهنگ‌های لغات عامیانه مرسوم گردید. نخستین کسی که اقدام به گردآوری اصطلاحات عامیانه نمود، محمد علی جمالزاده بود. جمالزاده در سال ۱۳۳۰ کتابی به نام **یکی بود یکی نبود** منتشر ساخت و در این کتاب که مجموعه‌ای از چند داستان کوتاه بود، ضمن مقدمه‌ای اظهار داشت که باید نویسندگان زبان فارسی دیگر سبک پیچیده و درباری مرسوم را کنار بگذارند و توجه بیشتری به کلمات عوامانه کنند و اظهار داشت که نوشته‌های ادبا باید بگونه‌ای باشد که عوام بفهمند و خواص بیسندند. او این امر را دموکراسی ادبی نامید. جمالزاده در انتهای کتاب **یکی بود یکی نبود** مجموعه‌ای از اصطلاحات و لغات عامیانه را گردآوری کرد شاید بتوان گفت این اقدام نخستین تلاش برای ثبت و ضبط زبان محاوره‌ی فارسی بود. جمالزاده در سال‌های بعد (۱۳۴۱) کار خود را توسعه داد و کتابی حجیم در ۴۸۲ صفحه به نام **فرهنگ لغات عامیانه** منتشر ساخت. در این کتاب هزاران اصطلاح و واژه‌ی عامیانه را جمع‌آوری و معانی آنها را توضیح داد. اقدام بعدی برای جمع‌آوری فرهنگ لغات عامیانه توسط احمد شاملو صورت گرفت. شاملو که پژوهش‌های خود را در مجموعه‌ای بسیار حجیم به نام کتاب **کوچه** منتشر ساخت سعی نمود تا کلیه‌ی واژگان و تعبیر و اصطلاحاتی که مردم کوچه و بازار به‌کار می‌گیرند را از منظر ادبی همراه با ردیابی ریشه‌های این واژگان در متون ادبیات فارسی، جمع‌آوری کند. آغاز کوشش‌های شاملو به سال ۱۳۵۵ باز می‌گردد. اگرچه انتشار کامل مجموعه‌ی کتاب **کوچه** همچنان تا به امروز ادامه دارد. از دیگر آثار مهمی که در زمینه‌ی گردآوری اصطلاحات عامیانه صورت گرفت کار ابوالحسن نجفی با نام **فرهنگ لغات عامیانه** است که در سال ۱۳۸۰ منتشر شد. همچنین کتاب **پس کوچه‌های فرهنگ** نوشته‌ی محب‌اله پرچمی که حدود ۱۵ هزار اصطلاح و کنایه‌ی کوچه بازار را که جنبه طنز و تمثیل دارند، گردآوری کرده است

می‌توان از تازه‌ترین تلاش ادیبانه در سنت ادبی جمع‌آوری اصطلاحات و لغات عامیانه دانست. این کتاب که از منظر طنز و تمثیل به اصطلاحات عامیانه پرداخته است اگر چه به تجزیه و تحلیل زبان عامیانه نپرداخته است اما از حیث گزینش موضوعی در گردآوری اصطلاحات زبان عامیانه حائز اهمیت است. کتاب کوچک نسل جوان ما چگونه سخن می‌گویند نوشته‌ی دکتر عفت مستشار نیا که در ۱۳۸۱ منتشر شد از معدود تلاش‌هایی است که محققان ادبی به منظور فهم زبان عامیانه و اصطلاحات آن از منظر دستور زبان فارسی و تحول ساختاری زبان فارسی انجام داده‌اند.

سنت علوم اجتماعی

مجموعه کارهایی که تا اینجا توضیح دادیم عمدتاً یا تماماً توسط ادبا و محققان ادبی صورت گرفت. انتشار کتاب **زبان مخفی** نوشته‌ی دکتر مهدی سمائی، در سال ۱۳۸۲ آغاز سنتی جدید در زمینه‌ی گردآوری و شناسایی زبان محاوره و عامیانه در ایران بود. در این سنت که از منظر علوم اجتماعی و نه ادبیات به زبان و فرهنگ عامیانه توجه می‌شد رویکردی متفاوت به لغات عامیانه وجود داشت. در این رویکرد اولاً سعی شده است تا با استفاده از روش‌های سیستماتیک تجربی علوم اجتماعی برای گردآوری و شناسایی زبان محاوره استفاده شود ثانیاً در این رویکرد بیش از اینکه وجوه زیبایی و ادبی زبان مورد توجه قرار گیرد بعد فرهنگی آن مورد توجه قرار می‌گیرد. منظور از بعد فرهنگی چگونگی کاربرد واژه‌های عامیانه توسط گروه‌های مختلف جامعه و تجزیه تحلیل این واژگان از منظرهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. همچنین در این رویکرد بستر اجتماعی زبان عامیانه مورد توجه است. اما شاید چیزی که باعث شده است تا محققان علوم اجتماعی به سراغ اصطلاحات عامیانه بروند این واقعیت است که اصطلاحات عامیانه به مثابه نظامی از نشانه‌ها یا دال‌ها بر مدلول‌های سیاسی و اجتماعی گوناگونی دلالت می‌کنند که بازنمایی این نشانگان و تجزیه تحلیل آنها و تبیین و توصیف مدلول‌های آنها روش مناسبی برای واسازی روابط قدرت و دگرگونی‌های فرهنگی در جامعه‌ی ایران در بستر چالش‌های سیاسی و اجتماعی درگیر آن هستند. با توجه به این امر، کتاب **مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی** سعی کرده است تا به

توصیف، توضیح و تبیین سیستماتیک از چگونگی اصطلاحات خودمانی جوانان شهر مشهد پردازد.

کتاب **مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی** در سنت علوم اجتماعی مطالعات زبان محاوره فارسی قرار می‌گیرد و می‌توان گفت مهمترین سهم آن در این گفتمان آن است که اولاً به روش تجربی و مبتنی بر مطالعه میدانی نظام مند صورت گرفته است حال آن که هیچیک از آثار دیگر در این زمینه اعم از آثاری که محققان ادبی مانند جمالزاده، امیرقلی امینی، احمد شاملو و محققان معاصر دیگر انجام داده اند، دارای روش تحقیق نظام‌مند و دقیق نیستند. از آنجا که هدف ادبایی مانند جمالزاده و شاملو و دیگر ادبا از توجه به زبان عامیانه اساساً تولید اثر ادبی یا استفاده از زبان عامیانه برای تولید اثر بوده است و نه تشریح و تبیین تحولات فرهنگی و زبانی جامعه ایران، از این رو کمتر دغدغه‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی در هنگام مطالعه داشته‌اند. همچنین اغلب مطالعات انجام گرفته در این زمینه محدود به گردآوری و توصیف اصطلاحات عامیانه می‌شود و کمتر توانسته یا خواسته‌اند ابعاد مختلف زبان عامیانه را تبیین نمایند و نسبت زبان عامیانه با تحولات و نهادهای اجتماعی دیگر و به طور کلی جامعه و فرهنگ ایران را شرح دهند. اما کتاب **مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی** را شاید بتوان نخستین گزارش پژوهشی منتشر شده‌ای دانست که به تبیین این موضوع از منظر علوم اجتماعی پرداخته است. به علاوه محقق در انجام این مطالعه از فنون مختلف گردآوری اطلاعات مانند مصاحبه، پرسشنامه، مشاهده و تجربه استفاده کرده و از روش‌های کمی و کیفی توأماً بهره‌جسته است. می‌توان گفت نگاه بین‌رشته‌ای محقق به موضوع که سعی داشته روش‌های جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی را بکار گیرد باعث موفقیت او در بیان ابعاد بیشتر موضوع مورد بررسی‌اش شده است.

ارزشیابی و نقد کتاب

در این بخش در ابتدا نکات قوت و سپس نقاط ضعف کتاب را توضیح می‌دهم. اگرچه همانطور که ملاحظه کردید نگارنده ارزیابی کاملاً مثبتی از این کتاب دارم و آن را یک پژوهش موفق می‌دانم و تا اینجا نیز به مناسبت‌های لازم برخی نقاط قوت آن را

توضیح دادم. بنابراین شرح نقاط قوت کتاب نیازمند توضیح مبسوط نمی‌باشد و صرفاً آنها را فهرست‌وار بیان می‌نمایم. فهرست ویژگی‌های سازنده و قوت کتاب براساس تحلیل‌هایی است که در اینجا بررسی و ارائه کردیم اما تحلیل نقاط ضعف کتاب نیازمند توضیح و تشریح بیشتر است تا بتوان به نحو مستدل درباره آن بحث کرد. از اینرو در بخش نقاط ضعف سعی شده است به هر یک از نکات به طور مبسوط پرداخته شود.

الف) نقاط قوت

- پژوهش از نظر فرم و ساختار دارای روش نظام مند، تجربی و بر اساس معیارهای روش شناختی معتبر در علوم اجتماعی است. اگرچه از نظر محتوا و شیوه اجرای عملی، محقق با کاستی و دشواری‌های جدید روبرو بوده است.

- پژوهش دارای رویکرد بین رشته‌ای (عمدتاً جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی) می‌باشد. از اینرو می‌توان این نقد را هم به کتاب وارد دانست که مشخص نیست تا چه میزان باید این پژوهش را در حیطه انسان‌شناسی گنجانند. با توجه به ناکامی محقق در زمینه اجرا روش مطالعه میدانی و مردم‌نگاری و کاربرد روش پیمایشی باید گفت عنوان بهتر برای این کتاب «جامعه‌شناسی اصطلاحات خودمانی» است.

- موضوع پژوهش دارای اهمیت اجتماعی و سیاسی می‌باشد و پاسخگوی نیازهای معین جامعه امروز ماست. این اهمیت مربوط به ضرورت شناخت تحولات زبان فارسی از یک سو و شناخت خرده فرهنگ جوانان از سوی دیگر است. ضرورت‌های دیگری نیز برای این موضوع وجود دارد که مؤلف کتاب آنها را در بحث ضرورت تحقیق به نحو اجمال و دقیق توضیح داده است.

- پژوهش دارای مباحث روشن در زمینه مبانی نظری و مفهومی شناخت خرده فرهنگ جوانان و تحولات آن و همچنین زبان عامیانه از دیدگاه انسان‌شناسی است. از این منظر نسبت به تحقیقات مشابه بسیار دقیق‌تر عمل کرده است. اگرچه همانطور که خواهیم گفت نتوانسته است از بین مباحث نظری و تحلیل داده‌ها ارتباط منطقی برقرار سازد.

- پژوهش دارای یک بررسی نظام‌مند و انتقادی از منابع و متون و تحقیقات انجام شده در این زمینه است. اگرچه در این زمینه کاستی‌هایی نیز وجود دارد که در بخش بعد به آن اشاره می‌کنیم.

- پژوهش دارای شرح دقیق و نظام‌مند از مباحث روشی و چگونگی انجام تحقیق است. اگرچه در نهایت همانطور که خواهیم دید روش پیمایشی بکار رفته روش کارآمدی برای تبیین موضوع مورد بررسی نبوده است.

- پژوهش، مخاطبان مختلف دانشگاهی و عمومی دارد. از اینرو طیف زیادی از علاقه‌مندان مباحث فرهنگی می‌توانند آن را خوانده و لذت و بهره ببرند. مخاطبان عمومی از اینرو می‌توانند از این کتاب بهره‌مند شوند که موضوع زبان عامیانه موضوعی است که قدرت جذب و جلب توجه خواننده معمولی را دارد. همچنین چون روشمند و نظام‌مند و در چارچوب روش دانشگاهی تدوین شده است برای مخاطبان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، ادبیات، زبان‌شناسی، مطالعات فرهنگ ایران معاصر و دیگر دانشگاهیان ارزشمند است.

- از لحاظ فرم و شکل، منسجم نوشته شده و تا حدود زیادی از افزودن بخش‌های زائد پرهیز شده است. اگرچه در این زمینه کاستی‌هایی وجود دارد که در بخش بعد توضیح می‌دهم.

- از نظر محتوا و داده‌های ارائه شده می‌توان گفت به نسبت بسیاری از کتب موجود در این زمینه مانند کتاب **فرهنگ لغات زبان مخفی** (۱۳۸۲) بسیار جامع‌تر است. با توجه به اینکه اکرامی از طریق بررسی تجربی و میدانی اصطلاحات را گردآورده‌اند می‌توان گفت نسبت به منابع دیگر نیز مانند کتاب **فرهنگ لغات عامیانه** نوشته ابوالحسن نجفی، گستردگی داده‌ها و اصطلاحات آن قابل ستایش است.

- فهرست منابع و شیوه ارجاع به متون دقیق و یکپارچه تنظیم شده است. بسیاری از کتاب‌ها رعایت امانت در نقل قول‌ها و رعایت اصول نگارش در تنظیم و تدوین فهرست منابع نمی‌کنند از اینرو باید این دقت مؤلف را ستود.

- چاپ منقح و کم غلط و کیفیت نسبتاً خوب انتشار کتاب.

در یک جمع بندی کلی در زمینه نقاط قوت این کتاب می‌توان **مردم‌شناسی**

اصطلاحات خودمانی را با وجود تمام کاستی‌های جدی‌ای که داراست و در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد، تا به امروز بهترین کتاب پژوهشی مؤلف و بهترین کتاب فارسی موجود در رشته‌های علوم اجتماعی در این زمینه است. دکتر محمود اکرامی تاکنون کتاب‌های مردم‌شناسی تبلیغات (۱۳۸۳)، اصول ارتباط جمعی (۱۳۸۲)، الفبای مطالعه و تحقیق (۱۳۷۶)، مردم‌شناسی تبلیغات (۱۳۸۳) و کتاب از ما بهتران (۱۳۸۳) را در حوزه علوم اجتماعی و مردم‌شناسی منتشر کرده‌اند. اکرامی همچنین دارای قریحه ادبی نیز هست و اشعار و قطعات ادبی نیز ساخته است که در کتاب ما چگونه پیر می‌شویم (۱۳۸۱) منتشر شده است. از کتاب‌ها و آثار ادبی که بگذریم می‌توان گفت کتاب مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی در بین مجموعه‌ی کارهای انتشار یافته‌ی او روشمندترین، نظام‌مندترین و دقیق‌ترین کتاب پژوهشی او است. همچنین می‌توان گفت در بین کتاب‌ها و تحقیقاتی که در سنت علوم اجتماعی در زمینه‌ی زبان غیر رسمی و اصطلاحات عامیانه وجود دارد این کتاب روشمندترین و نظام‌مندترین بررسی موجود می‌باشد. همانطور که توضیح دادیم محقق تلاش کرده است تا تمام چارچوب‌ها و اصول انجام عمل و ارائه پژوهش تجربی را رعایت نماید.

ب) نقاط ضعف و کاستی‌ها

اما به رغم ارزش‌های روش‌شناختی دقیق این کتاب می‌توان به نکات زیر به عنوان ملاحظات که اگر محقق در نظر می‌گرفت ممکن بود کتاب از نظر علمی دارای ارزش بیشتری شود. کاستی‌ها و نکات انتقادی کتاب را می‌توان به نحو زیر توضیح داد:

- توضیحات زائد، ناکافی، نامرتب یا بدون پیوستگی با کلیت کتاب و پژوهش در برخی بخش‌ها:

محقق در بحث پیشینه‌ی نظری به توضیح و توصیف مفهوم فرهنگ، ویژگی‌های آن و مفاهیم متعددی که همراه با واژه‌ی فرهنگ هستند مانند تغییر فرهنگ، انتقال فرهنگ و عناصر سازنده‌ی فرهنگ مانند باورها، ارزش‌ها و هنجارها می‌پردازد و همچنین تجزیه و تحلیل نظریه‌های انسان‌شناسی به نحو مبسوط می‌پردازد. این بخش از صفحه ۳۹ تا ۷۲ یعنی شامل ۳۱ صفحه می‌باشد. در سراسر کتاب مشخص نیست این ۳۱

صفحه توضیحات چه ارتباط وثیقی با پژوهش دارند و مشخص نیست در کجای تحقیق از این مباحث نظری بهره‌ای برده شده است. می‌توان این بخش را در چند صفحه مختصر گنجانند.

همچنین در بخش دیگر فصل به بررسی اثرات متقابل فرهنگ و زبان اختصاص داده شده است. در این زمینه مؤلف درباره مطالعه‌ی زبان و انواع شاخه‌های زبان‌شناسی توصیفی، اجتماعی توضیحاتی می‌دهد و در ادامه به بررسی موقعیت اجتماعی زبان نقش‌های جنسی، سنی و شغلی و رابطه‌ی آن با زبان می‌پردازد. در اینجا نیز اگر چه می‌توان گفت مبحث اثرات متقابل فرهنگ و زبان برای موضوع مورد بررسی کاملاً ضروری است اما این پرسش وجود دارد که ۲۳ صفحه توضیحات مذکور تا چه میزان به پشتیبانی نظری و مفهومی این تحقیق کمک کرده است. اگر چه می‌توان پذیرفت که ضرورت دارد نظریه‌ها و رویکردهای موجود در زمینه نسبت بین فرهنگ و زبان در بحث شناخت اصطلاحات خودمانی آشکار شود. اما محقق این کتاب نتوانسته است بگونه‌ای این دیدگاه‌ها را مطرح سازد که بتواند از آنها در تحلیل‌ها و تبیین موضوع مورد بررسی استفاده نماید. از اینرو، مشکل اصلی در اینجا نه ضرورت وجود سرفصلی با عنوان رابطه فرهنگ و زبان بلکه نحوه پردازش محقق به این موضوع است.

- نتایج تحقیق چندان به لایه عمیق واقعیت مورد بررسی نفوذ نکرده است و تبیین نظری از آن ارائه نمی‌کند و عمدتاً در سطح توصیف باقی مانده است.

در بحث روش‌شناسی و همچنین مبانی نظری از روش‌های مختلف متداول در تحلیل موضوع زبان عامیانه سخنی گفته نشده است. روش‌های تحلیل محاوره^۱، تحلیل گفتمان^۲، تحلیل متن^۳، نشانه‌شناسی^۴، نظریه‌مبنایی^۵ و تحلیل روایت^۶، از جمله

1. conversation analysis
2. discourse analysis
3. textual analysis
4. semiology
5. grounded theory
6. narrative analysis

روش‌های کارآمد و مناسب برای شناخت و تحلیل عمیق زبان عامیانه است. اما محقق هیچ‌گونه اشاره‌ای به این روش‌ها نداشته است. نتیجه این امر آن است که علی‌رغم نظام‌مند بودن تحقیق، در نهایت محقق نتوانسته است لایه پنهان و معانی عمیق‌تر اصطلاحات خودمانی رایج بین جوانان را شناسایی نماید و در نهایت این تحقیق دستاورد نظری و مفهومی مشخصی ندارد. نتیجه عقیم بودگی نظری این تحقیق آن است که نتایج تحقیق در بهترین وضعیت چیزی بیش از توصیف پدیده مورد بررسی نمی‌باشد. برای توضیح این موضوع من در اینجا به بررسی فصل پایانی گزارش می‌پردازم و تأملی در نتایج تحقیق می‌کنم: استدلال انتقادی من این است که نتایج تحقیق اولاً جنبه تبیینی ندارد و چندان توضیحی درباره علت‌ها و چرایی زبان خودمانی مورد بررسی نمی‌دهد، به رغم ظاهر بیان و سبک نگارش استدلالی و علی‌گزارش. همچنین، در توصیف پدیده مورد بررسی نیز اگرچه توضیحات دقیق همراه استدلال‌های آماری (آمار توصیفی) است اما اغلب بیان کم و بیش نکاتی است که عقل سلیم و فهم متعارف قادر به توضیح آن است و برای رسیدن به این نتایج ضرورتی ندارد که تحقیق تجربی سیستماتیک انجام پذیرد. به تعبیر دیگر این تحقیق پرده از مجهولات چندانی بر نمی‌دارد بلکه برای معلومات ما عمدتاً توجیه تجربی و نظام‌مند فراهم می‌سازد. اجازه دهید مروری بر تک تک پرسش‌ها بیافکنیم.

پرسش اول این است که چه اصطلاحاتی در بین جوانان متداول است؟ در پاسخ به این پرسش، فهرست واژگان و اصطلاحات گردآوری شده ارائه شده است. (صفحات ۱۱۱ تا ۲۴۲). این پرسش ماهیتاً اکتشافی و توصیفی است. هدف محقق از این پرسش رسیدن به توصیفی از پدیده مورد مطالعه است. بنابراین نمی‌توان انتظار نظری و تبیینی از این پرسش داشت. در این قسمت اگرچه محقق همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم تعداد بیشتری واژگان نسبت به برخی آثار موجود در این زمینه (مانند زبان مخفی مهدی سمایی) فراهم کرده است، اما مقایسه‌ای هم بین واژگان گردآوری شده در این کتاب و کتاب‌های جامع‌تر مانند کتاب **فرهنگ لغات عامیانه** نوشته ابوالحسن نجفی انجام نگرفته است تا مشخص شود که آیا اساساً واژگان تازه‌ای در این کتاب گنجانده شده یا خیر.

پرسش دوم این است که چه اصطلاحاتی بیشترین معادل‌ها را دارند؟ این پرسش نیز توصیفی است و محقق یافته‌های گردآوری شده در چند گروه یا حوزه معنایی را طبقه‌بندی و مقوله‌بندی کرده است. در اینجا نیز محقق از سطح توصیف فراتر نرفته است و اساساً امکان فراتر رفتن نیز وجود ندارد مگر آنکه پرسش دیگری طرح می‌شود یا در چارچوب نظری و روشی دیگری قرار می‌گرفت. نکته انتقادی که در اینجا وجود دارد و قبلاً نیز به آن اشاره کردیم این است که معلوم نکرده‌اند که از بین مترادف‌های موجود برای هر حوزه معنایی کدامیک متداول‌تر و کدامیک احیاناً اصلاً کاربردی ندارند یا آنکه در چه زمانی این واژگان متداول بوده‌اند.

سؤال سوم به بررسی دلایل ایجاد و استفاده از واژگان و اصطلاحات بررسی شده می‌پردازد. این پرسش ماهیت تبیینی دارد و قرار است در اینجا پی به علل شکل‌گیری این اصطلاحات ببریم. در اینجا محقق نه دلیل را به عنوان دلایل بکارگیری زبان عامیانه و اصطلاحات بررسی شده ارائه می‌کند. این دلایل عبارتند از: پنهان کاری، ابراز صمیمیت، تمایز، تفاخر، تعلق و وابستگی گروهی، تحکیم روابط درون گروهی، تحکیم دنیای خصوصی، تابو بودن برخی واژگان، طنز و لذت بخشی به مخاطب و بالاخره رهایی از فشار هنجاری. فراوانی توزیع این دلایل در جدولی بیان گردیده است. مثلاً ۱۴/۴ درصد به دلیل رهایی از فشار هنجاری، ۶۵/۳۱ درصد به دلیل پنهان کاری. نقدی که در اینجا وجود دارد این است بستر و زمینه فرهنگی و اجتماعی کاربرد اصطلاحات روشن نیست. اساساً روش محقق به گونه‌ای نیست که بتواند بستر اجتماعی موضوع را توصیف و تشریح نماید. علی‌رغم اظهار محقق مبنی بر استفاده از روش مردم‌نگاری و روش انسان‌شناختی، عملاً محقق همان روش پیمایش^۱ جامعه‌شناختی را بکار برده است. البته این به معنای آن نیست که هیچ بهره‌ای از روش انسان‌شناختی ندارد. بنابراین، مجموعه دلایلی که ذکر شد بیش از آنکه پرده از علل عینی واقعی شکل‌گیری اصطلاحات خودمانی در بین جوانان بردارد، تنها برخی دلایل ذهنی که جوانان در پاسخ به پرسشنامه‌ها داده‌اند به مثابه علل شکل‌گیری اصطلاحات تلقی شده است.

باید این نکته انتقادی را نیز در نظر داشت که چون دلایل ذکر شده بر اساس خوداظهاری جوانان است و برای سنجش روایی و اعتبار پاسخ‌ها هیچ تمهیدی اندیشیده نشده است، اساساً این پاسخ‌ها نیز در معرض شک و تردید هستند. از اینرو، پرسش شماره سوم نیز باز در همان سطح توصیف می‌ماند و مطلب چندان تازه‌ای در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد.

پرسش چهارم درباره کانون‌ها و کانال‌های تولید و توزیع اصطلاحات خودمانی جوانان است. در پاسخ به این پرسش ۷ گروه به عنوان کانون تولید اصطلاحات شناسایی شده و فراوانی سهم هر گروه نیز معین شده است. باندهای قاچاق، زندان‌ها، گروه‌های منحرف جنسی، سربازخانه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، مراکز دانشگاهی، کلپ دوستی و بالاخره گروه‌های سنی و جنسی، کانون‌های اصلی تولید و توزیع اصطلاحات خودمانی هستند. یک مقوله هم «سایر» است که برای گروه‌های دیگر است. اولاً مشخص نیست این گروه‌ها چگونه شناسایی شده‌اند. برای مثال آیا به این مراکز مراجعه شده است، آیا محقق از مشاهده میدانی این داده‌ها را بدست آورده یا بر اساس تفسیر اصطلاحات این طبقه بندی صورت گرفته است، یا از راه‌های دیگر. ثانیاً، بعضی از مقولات مانند گروه‌های سنی و جنسی در اینجا معنای روشنی ندارد. زیرا تمام پاسخگویان جوان هستند. بنابراین گروه‌های سنی مختلف اساساً بررسی نشده‌اند که بتوان گفت «گروه‌های سنی». برخی مقولات نیز چیزی نیست که محقق به آنها دسترسی داشته باشد. مثلاً باندهای قاچاق گروهی نیست که بتوان در بین آنها تحقیق میدانی کرد زیرا این باندها مخفی و ناشناخته هستند. بعضی مقولات دیگر نیز محیط و مکان هستند نه گروه اجتماعی. مثلاً سربازخانه، دانشگاه، کلپ، و خوابگاه. البته می‌توان گفت در محیط‌هایی که جوانان حضور دارند اصطلاحات خودمانی بکار می‌رود. در این صورت سخن بدیهی گفته‌ایم. درباره کانال‌های شیوع و توزیع اصطلاحات نیز رسانه‌های ارتباط جمعی شامل رادیو، تلویزیون، نشریات، اینترنت، موبایل، تلفن و ارتباطات میان فردی به عنوان کانال‌های شیوع اصطلاحات مطرح گردیده است. در این زمینه هیچ توضیح بیشتری داده نشده و حتی توزیع فراوانی آماری نیز ارائه نشده است. در اینجا نیز باز از بدیهات سخن گفته است چرا که کلیه ارتباطات کلامی ما یا از راه رسانه هاست یا از

راه ارتباط میان فردی.

سؤال پنجم درباره محیط‌هایی است که این واژگان در آنها بیشتر رایج است. نتیجه تحقیق این است که در محیط‌هایی که افراد در آن به صورت خانوار جمعی (محیط های شبانه روزی) زندگی می‌کنند، امکان تولید و رواج بیشتر می‌باشد. نقد وارد به این بحث این است که در اینجا نیز محقق به هیچ داده تجربی ارجاع نداده است و هیچ استدلال نظری نیز نکرده است. در عین حال، این گزاره توصیفی نیز هم از نکات عقل سلیم است و هم فاقد هرگونه بیان مفهومی و تبیینی تازه.

سؤال ششم درباره تأثیر رایانه بر نشر اصطلاحات خودمانی است. در این قسمت نویسنده از سویی اظهار می‌دارد که «رسانه‌ها نقشی در تولید آن (اصطلاحات خودمانی) ندارند» (ص ۲۶۱) و افراد هستند که این واژگان را می‌سازند و از سوی دیگر درصد تبیین نقش رسانه الکترونیک در ایجاد این اصطلاحات است. به هر حال، اکرامی نقش رسانه را تنها در گسترش و رواج اصطلاحات می‌داند. توضیح محقق این است که ۷۹ درصد پاسخگویان گفته‌اند که اصطلاحات را از تلویزیون شنیده‌اند. اگر این سخن درست باشد در آن صورت تمام مطالبی که در پاسخ به پرسش ۴ گفته شد زیر سوال می‌رود زیرا در آنجا بیان شد که زندان‌ها، گروه‌های منحرف جنسی، مراکز دانشگاهی و کلوپ‌های دوستی و مراکز آموزشی، کانون‌های تولید و اشاعه اصطلاحات خودمانی است. اکنون می‌توان پرسید با توجه به این که تلویزیون و رادیو در ایران در کنترل دولت است چگونه ممکن است در حالی که ۷۹ درصد پاسخگویان گفته‌اند از رسانه تلویزیون این اصطلاحات را آموخته‌اند، کانون این اصطلاحات منحرفان جنسی یا زندان‌ها و امثال اینها باشد؟ این تناقض حکایت از یک نقص روش شناختی در تحقیق می‌کند.

سؤال هفتم درباره حوزه معنایی اصطلاحات است. در واقع محقق در اینجا سعی کرده است مجموعه اصطلاحات را در چند گروه یا مقوله تازه و محدود دسته بندی کند. این مقولات عمدتاً تابوهای اجتماعی مانند مواد مخدر، آلت جنسی دختر و پسر، نادانی، خودشیرینی و امثال اینهاست. عمده مقولات به مسائل جنسی مربوط می‌شود. نتایج این بخش نیز تنها این موضوع را توضیح می‌دهد که اصطلاحات خودمانی جوانان

مربوط به تابوهای اجتماعی به خصوص تابوهای جنسی است. در اینجا نیز بیان نکته کاملاً واضح است که برای رسیدن به آن نیازی به انجام بررسی تجربی نمی باشد و محقق نوانسته است به لایه‌های عمیق تر موضوع مورد بررسی نفوذ کند و هیچ‌گونه حرف تازه‌ای را برای ما بازگو نمی‌کند. به تعبیر دیگر این یافته‌ها فاقد ارزش انتقادی و شالوده شکنانه‌اند.

سؤال هشتم درباره حوزه علمی و خرده فرهنگی است که اصطلاحات به آن تعلق دارند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اصطلاحات به حوزه های علمی ارتباطات، جغرافیا، ریاضی، اقتصاد و سیاست تعلق دارند. این بخش تحقیق بی معناست زیرا این که برخی اصطلاحات نام شهرها و مکان‌های مختلف است به این معنا نیست که این اصطلاحات به علم جغرافیا تعلق دارند اگرچه برخی اصطلاحات قطعاً مربوط به مکان‌های معین هستند. همچنین وجود اصطلاحات اقتصادی مثل پول، سکه یا چک به معنای تعلق این اصطلاحات به حوزه علم اقتصاد نیست. حوزه های دیگر بیانگر ابعاد معینی از اصطلاحات است و ایده‌های مشخصی درباره اصطلاحات در اختیار ما قرار می‌دهد. برای مثال، مشخص شده است که برخی اصطلاحات به حوزه‌های دامپروری، کشاورزی، تربیت پرندگان، برق کشی، ورزش، خودرو، قماربازی، سینما و تلویزیون، شهرداری، نیروهای مسلح، قهوه‌خانه، می‌خواری، هواپیما، جبهه و جنگ و زندان مربوط هستند.

آخرین پرسش درباره شیوه ساخته شدن اصطلاحات است. در اینجا محقق به بررسی ساختاری و زبان شناختی اصطلاحات پرداخته است و برخی ویژگی‌های زبان شناختی این اصطلاحات را توضیح می‌دهد.

اما علاوه بر نقدهایی که بر یافته‌های تحقیق وارد است، انتقادات کلی بر ابعاد دیگر این اثر وارد است که باید مورد توجه قرار گیرد. اولین نکته درباره عنوان کتاب است. همانطور که اشاره کردیم در این کتاب از روش پیمایش و تحلیل آماری استفاده شده است. رویکرد محقق اساساً مبتنی بر استنباط آماری استوار است و نه بر استنباط کیفی یعنی تجزیه و تحلیل تفسیری داده‌ها. اگرچه در تجزیه و تحلیل آماری نیز صرفاً در سطح استفاده از آمار توصیف باقی مانده و درصد تبیین های چند متغیره نبوده است. با

توجه به غلبه رویکرد کمی بر نظام تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین با توجه به این واقعیت که روش گردآوری داده‌ها نیز عمدتاً پرسشنامه بوده است، نمی‌توان گفت این بررسی یک تحقیق انسان شناختی است. مناسب‌ترین عنوان برای این پژوهش، جامعه‌شناسی اصطلاحات خودمانی است. البته در بخش نظری محقق نقل‌ها و دیدگاه‌هایی از انسان‌شناسان ذکر کرده است اما این دیدگاه‌ها در اساس راهنمای عملی محقق در این تحقیق نبوده است.

نکته انتقادی دیگر درباره نتایج این تحقیق، چشم‌انداز کلی است که این مطالعه از خرده فرهنگ جوانی در ایران ارائه می‌نماید. همان‌طور که در بخش‌های گذشته توضیح دادیم مقوله بندی نهایی کتاب از حوزه‌های معنایی اصطلاحات خودمانی، بازنمایی از وجوه ممنوع و منفی مانند اعتیاد، مسائل جنسی، بزهکاری‌های اجتماعی و مسائلی از این نوع است. چنین بازنمایی منفی از خرده فرهنگ جوانی ناشی از کژتابی داده‌های گردآوری شده و چگونگی مقوله‌بندی آن است زیرا اگرچه در بین گروه‌هایی از جوانان مسائل اجتماعی مذکور وجود دارد اما نمی‌توان خرده فرهنگ جوانی را تماماً این‌گونه بازنمایی کرد. علت این کژتابی این است که آمار و داده‌های گردآوری شده توضیح نمی‌دهند که میزان و تراکم کاربرد این اصطلاحات در محاورات روزمره جوانان چه میزان است و بستر واقعی کاربرد این واژگان نامعلوم است. ممکن است کسی در روز چند نوبت این اصطلاحات را بکار برد اما زبان او اساساً این‌گونه نباشد. همچنین جوانی ممکن است گاهی اصطلاحاتی را صرفاً برای تولید لذت بکار برد اما هیچ‌گونه رفتار و کنشی همسو با واژگانی که بکار می‌برد نداشته باشد. اصطلاحات عامیانه یا خودمانی اغلب به مثابه زبان غیر رسمی، غیر جدی و حاشیه‌ای است. از اینرو کاربرد آن گرچه معنادار و مهم است اما لزوماً کلیت خرده فرهنگ جوانی را بازنما نمی‌سازد. از اینرو، نمی‌توان چشم‌انداز کلی را که این تحقیق از فرهنگ و زبان جوانان ارائه می‌کند بازنمایی واقع‌گرایانه از این خرده فرهنگ دانست. می‌توان بازنماهای متفاوتی از خرده فرهنگ جوانی ارائه کرد. بازنمایی ما تابع نوع گزینش و تمرکز بر جنبه‌هایی خاص این خرده فرهنگ بستگی دارد. برای مثال می‌توان در بین جوانان مذهبی، دانشجویان، جوانان تحصیلکرده و فعال هنری و گروه‌های دارای سرمایه فرهنگی بالاتر،

زبان فرهیخته‌تری را شناسایی کرد. گرچه ممکن است بین زیر گروه‌ها نیز شاهد بکارگیری اصطلاحات خودمانی یا زبان مخفی خاص بود.

با توجه به این انتقاد می‌توان این پرسش را نیز در برابر کتاب قرار داد که آیا ممکن است که ثبت و مستندسازی زبان مخفی یا اصطلاحات خودمانی معطوف به تابوهای اجتماعی و امور ممنوعه پیامدهای منفی اخلاقی داشته باشد؟ به اعتقاد نگارنده پاسخ این سؤال منفی است زیرا اساساً شکل‌گیری و توسعه اینگونه اصطلاحات در بستر و محیط اجتماعی صورت می‌گیرد و چیزی نیست که افراد آنها را از طریق کتاب‌ها و متون بیاموزند. در گرماگرم روابط اجتماعی بین فردی و متناسب با موقعیت‌های معین اجتماعی است که واژگان و عبارات مخفی ظاهر می‌شوند و کسی از لابلای فرهنگ لغات به یادگیری این گونه واژگان نمی‌پردازد. علاوه بر این، اصطلاحات خودمانی بسیار متغیر و دایما نو به نو می‌شوند. متناسب با تغییر وضعیت‌های اجتماعی و همچنین تحول ذوق و ذائقه جوانان این اصطلاحات فراموش می‌شوند و اصطلاحات تازه جایگزین آنها می‌گردند. به این علت است که برای واژه چند مترادف وجود دارد. این مترادف‌ها در زمان‌ها و موقعیت‌های متفاوت وضع و ابداع شده‌اند. چه بسا بسیاری از آنها زمانی رایج بوده‌اند و اکنون دیگر از رواج افتاده‌اند. این موضوع در زمینه زبان رسمی نیز صادق است. هر زبانی دربردارنده مجموعه وسیع لغات است که بسیاری از آنها کاربرد گسترده ندارند یا اصلاً کاربرد ندارند.

در عین حال، این نکته را نیز باید یادآور شد اصطلاحات خودمانی گردآوری شده در این کتاب و کتاب‌های مشابه چیزی نیست که مردم با آنها آشنا نباشند. اغلب مردم این واژگان را می‌شناسند اما استفاده یا عدم استفاده از این واژگان تابع موقعیت اجتماعی، سرمایه فرهنگی و شخصیت فردی افراد است. ما اینگونه نیست که اگر کسی از آنها آگاه شود در معرض انحراف اخلاقی یا سخیف شدن زبان قرار گیرد. برای روشن شدن موضوع کافی است در نظر بگیریم که همه مردم کم و بیش از کلمات رکیک و فحش‌های رایج در زبان‌شان آگاه‌اند. اما تعداد خاصی از افراد و در موقعیت‌های معینی ممکن است از کلمات رکیک و ناشایست استفاده کنند. بنابراین، نقد نگارنده در زمینه ارائه بازنمایی نادرست از خرده فرهنگ جوانی به معنای نقد اخلاقی

کتاب نیست.

با توجه به مجموع مباحث می‌توان گفت این پژوهش ضمن برخورداری از برخی نقاط قوت از کاستی‌های نظری و روش‌شناختی نیز رنج می‌برد. محقق در این پژوهش نتوانسته است تبیین قانع‌کننده‌ای از چرایی و زمینه اجتماعی و تاریخی اصطلاحات خودمانی رایج بین جوان ارائه نماید. در عین حال، محقق اگرچه در بخش نظری مجموعه وسیعی از مفاهیم و نظریه‌های فرهنگ را توضیح داده است اما در نهایت فاقد یک چارچوب نظری مشخص برای تبیین موضوع مورد بررسی است. برای مثال، در نهایت نمی‌توان دریافت که چه رابطه‌ای بین فرایندهای اصلی فرهنگ معاصر جامعه ایران مانند مدرن شدن، صنعتی شدن، شهرنشینی، رشد فردیت و فردی شدن، رسانه‌ای شدن و مجازی شدن با پدیده رشد زبان مخفی وجود دارد.

نقدهای مذکور به هیچ وجه به معنای انکار برخی ارزش‌های این کتاب که در قسمت نخست تحت عنوان نقاط قوت آن ذکر کردیم نیست. از این کتاب می‌توان اطلاعات ارزشمند فراوانی بدست آورد و اصطلاحات گردآوری شده در آن نیز بسیار لذت‌بخش است. علاوه بر این، نوع نگرش انتقادی در لایه‌هایی از این گزارش نهفته است که باید مورد توجه قرار گیرد. اینکه شکاف زبانی بین زبان جوانان و زبان معیار در حال شکل‌گیری است. این شکاف به تدریج و با عمیق‌تر شدن و توسعه یافتن می‌تواند پیامدهای فرهنگی بیار آورد.

فهرست منابع

- ۱- اکرامی، محمود (۱۳۸۳) مردم شناسی تبلیغات، مشهد: نشر ایوار.
- ۲- اکرامی، محمود (۱۳۸۲) از ما بهتران، مشهد: ایوار.
- ۳- پرچمی، محب الله (۱۳۸۲) پس کوچه های فرهنگ، تهران: انتشارات ماهرخ.
- ۴- سمایی، مهدی (۱۳۸۲) فرهنگ و لغات زبان مخفی، تهران: نشر مرکز.
- ۵- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۶) فرهنگ لغات عامیانه، تهران: انتشارات نیلوفر.

